رنج رجایی

غنیمت

پوران نشست روی ایوان و چشم دوخت به لامپ، پروانه‌ها دور و اطراف لامپ می‌پریدند و کف زمین پر بود از پروانه‌های سوخته. از غوغای روز دیگر خبری نبود و شب می‌رفت تا شهر را خواب کند، انتظار آمدن محمدعلی را می‌کشید. هوا دم کرده بود از صداهای گنگ و نامفهوم.

محمدعلی کلید را انداخت توی قفل، قفل چرخید و در با صدای خشکی باز شد، پوران نیم‌خیز شد.

- اومدی محمدعلی؟

هوا نمناک و سنگین بود و شرجی هوا همه خشکی شب را بلعیده بود.

- شما هنوز نخوابیدی؟ شرمنده که این‌قدر دیر اومدم. خواستم شب بمونم توی دفتر، مبادا این موقع زابراه بشین اما دلم نیومد، حتی یه ساعت دیدن شما و بچه‌ها غنیمته!

درد در کتف و کمر و چشم‌ها و رگ و پی‌اش می‌دوید و نوک انگشت‌ها و تنش مورمور می‌شد. با این حال سعی کرد به رویش نیاورد.

طبیعت محمدعلی چنین بود که هیچ‌وقت به خستگی مجال ماندن نمی‌داد. یاد گرفته بود که اگر بگذارد خستگی با کار بیاید، به زانو درمی‌آید، پس به‌کار می‌پیچید و اگر درد همه تنش را به هم می‌پیچید، کار را به زانو درمی‌آورد، ۲۲ ساعت کار یک نفس!

- خسته‌این؟

محمدعلی به پشت افتاد و دست‌ها را زیر سر گذاشت.

- خسته؟ کسی خسته می‌شه که برای رسیدن به مزدی کار می‌کنه، من که مزدور نیستم که خستگی کنم، من مزدم رو قبلاً گرفتم.

*** بنی‌صدر صندلی‌اش را پیش کشید و بعد طوری که انگار محمدعلی را ندیده یا اگر دیده به حسابش نیاورده، پشت به او نشست و بی‌مقدمه گفت: «من از این انتخاب مجلس خیلی متأسفم و همون طور که قبلاً هم گفتم، ایشون رو یک درشکه چی بیشتر نمی‌شناسم، شما مثل سقیفه عمل کردین و حق مسلم منو غصب کردین.» و بعد به سمت محمدعلی برگشت و به طعنه گفت: «این نتیجه انتخاب سقیفه‌اس!» نگاهها برگشت به سمت محمدعلی. محمدعلی متین و بردبار سر جایش نشسته بود.**

پوران پرسید:

«چه وقت؟»

- وقتی انقلاب اسلامی ما پیروز شد.

... مژه‌های بلند محمدعلی بسته شد و بعد پلک‌هایش سنگین شد روی چشم‌هایش، سنگین مثل شب!

بنی‌صدر، رنج رجایی

با محمدعلی می‌شدند هفت نفر. بنی‌صدر میزبان بود. دیر آمد به عمد، این کارش عادت بود، همه به اجبار پیش پایش بلند شدند، شق و رق آمد و از مقابل همه رد شد حتی سر تکان نداد، نه اینجا که در هر مجلسی چنین بود، چه عزا و چه عروسی، چه هر اجتماعی یا هر بهانه‌ای، انبانی از باور و خیال در او بود و این چیزی نبود که دیگران آن را حس نکنند. آشنایی با این روحیه کار امروز و دیروز نبود. هیچ وقت صمیمیتی در کار نبود. نه چون بنی‌صدر به دشواری به جز خودش می‌توانست کس دیگری را دوست داشته باشد، همراهی دیگران برای او همان‌قدر برایش اهمیت داشت که لازمش داشت. چیزی مثل اجبار! دیگران هم این را می‌دانستند، آدم‌هایی مثل او گفت و نگاهشان کمتر دوستانه و خوشبین بود، حتی زمانی که روی خوش نشان می‌دادند، گفتشان از روی بخل بود. هر چند این گفت ممکن بود کمی از حقیقت هم باشد اما همیشه کینه است که در دل‌هاشان می‌جنبد، هراس از دست دادن جای خود.

بنی‌صدر به روشنی روز می‌دید که با آمدن محمدعلی جایش را از دست می‌دهد، جلساتش با ستون پنجمی‌ها ـ منافقین ـ هم برای حفظ همین موقعیت بود که البته از چشم هیچ کس پنهان نمانده بود، حتی نهیب امام را هم به دنبال داشت اما بعضی‌ها این‌گونه‌اند؛ مغرور و خودباور!

بنی‌صدر می‌دانست که او تا زمانی محبوب است که مردم خودشان

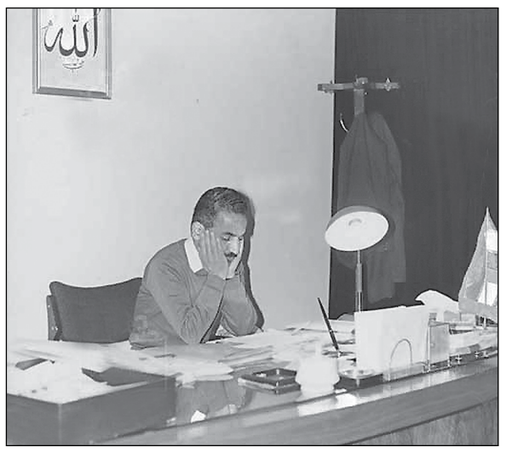

را نیازمند به او ببینند با بودن رجایی چطور می‌شد محبوب بود؟ توانایی محمدعلی ناتوانی او را به رخ می‌کشید و همین احساس بود که او را سر جای خود به لرزه درمی‌آورد.

جابه جایی را حس می‌کرد، دولت برای او و موقعیتش مخلی می‌شد، آن قدر جربزه هم نداشت تا برای موقعیت‌های خطرناکی که کشور در آن افتاده بود، چاره‌ای بیندیشد، جرأتش را هم نداشت.

بنی‌صدر صندلی‌اش را پیش کشید و بعد طوری که انگار محمدعلی را ندیده یا اگر دیده به حسابش نیاورده، پشت به او نشست و بی‌مقدمه گفت:

«من از این انتخاب مجلس خیلی متأسفم و همون طور که قبلاً هم گفتم، ایشون رو یک درشکه چی بیشتر نمی‌شناسم، شما مثل سقیفه عمل کردین و حق مسلم منو غصب کردین.»

و بعد به سمت محمدعلی برگشت و به طعنه گفت:

«این نتیجه انتخاب سقیفه‌اس!»

نگاهها برگشت به سمت محمدعلی. محمدعلی متین و بردبار سر جایش نشسته بود. حرف بنی‌صدر زهر داشت، زهر کام محمدعلی را تلخ کرده بود اما بدون اینکه میدان به دشمنی در کلامش بدهد، مؤدبانه گفت:

«برادر رئیس جمهور! خواهش می‌کنم در به‌کار بردن الفاظ و عبارات خودتون تجدیدنظر کنید، این الفاظ در شأن یک رئیس جمهور نظام اسلامی نیست!»

بنی‌صدر پوزخندی زد و گفت:

«تو چیزی سرت نمی‌شه، اینا اینجا تو رو آوردن تا...»

زخم عقرب بود این حرف‌ها، محمدعلی از تندخویی پروا داشت اما آنچه بر زبان بنی‌صدر گذشته بود، درونش را گداخته بود، با این حال آن قدر درونش گنجا بود تا بدون اینکه زبون به نظر برسد، خوددار باقی بماند.

سکوت کرده بود و بنی‌صدر بی‌پروا حرف می‌زد. جملاتی که هر کلمه‌اش سخت بود، تیز و بی‌شفقت، تیز بود و می‌برید، تیزی‌اش گاه راه به گلو می‌برد و گاه به استخوان می‌نشست.

می‌شد بی‌پرواتر جواب داد، می‌شد خیلی حرف‌ها را زد اما خواست امام این نبود و برای محمدعلی چیزی جز این خواسته مهم نبود؛ مصلحت نظام، پس آرام ماند. آرام ماند و به خاطر آورد، سال‌های مبارزه و شکنجه، همرزم‌هایی که دیگر نبودند، شهدا و گم شده‌ها، چهره‌های زرد و تکیده آدم‌هایی که فقر و اعتیاد گریبانشان را گرفته بود، خیلی چیزهای دیگر را به خاطر آورد، فرنگی‌ها، تحقیر و همه مشقت‌هایی را که مردم تحمل کرده بودند، راستی در همه این سال‌ها بنی‌صدر کجا بود؟ از انقلاب چه می‌دانست؟ اصلاً شاید برای همین بود که نمی‌توانست بفهمد مردم از شاه و شاه بازی خسته‌اند. بعد ناگهان فریادی، صدای بنی‌صدر را برید، می‌شد حدس زد طاقتش بالأخره تمام شده است.

- خاک بر سرت بکنند! چقدر کسر شأن یک نظام است که تو رئیس جمهور آن باشی.

مرد از جا کنده شد و به طرف در رفت، در سالن محکم به هم خورد و هاشمی‌رفسنجانی بیرون رفت.

جنگ ناخواسته

صدای آرام روز آمد، ۲۹ شهریور ۱۳۵۹، خبر هم رسید: «عراق به ایران حمله کرد.»

نجوا افتاد در شهر:

«حالا چی می‌شه؟

با تحریم موفق نمی‌شیم.

باید گروگان‌ها رو آزاد کنیم بی‌قید و شرط.

آمریکا از عراق حمایت می‌کنه.

بی‌سلاح کاری از پیش نمی‌بریم.»

روز دوم دولت بود. محمدعلی به مردم گفته بود:

«سرمایه ندارم برای نخست‌وزیری که عنوان کنم، جز این مختصر آبرویی اگر در گذشته پیدا کردم، آن هم در نخست‌وزیری تقدیم این حرکت انقلابی مردم‌مان می‌کنم.»

محمدعلی این را گفته بود اما خوب می‌دانست که بنی‌صدر عزمش را برای مبارزه با دولت جزم کرده است. حالا هم که این جنگ.

ارتش ضعیف بود، بازسازی هنوز انجام نشده بود، سلطنت‌طلب‌ها فرار کرده بودند، تحریم بود و تهیه سلاح ، سخت. هواپیماها و ابزار جنگی خریداری شده هم در گرو آمریکا. امام فرمان بسیج ۲۰ میلیونی را داده بود. سپاه و بسیج تشکیل شده بود و دیگر نجواها کاری از پیش نمی‌برد! اما خطر حمله جدی بود و در این شرایط بنی‌صدر فرمانده کل قوا.

نیروهای ارتش به دستور بنی‌صدر به جنوب اعزام شدند، عراق پیشروی کرد تا خرمشهر، سپاه میدان خواست برای جنگ اما میدان اصلی جنگ در ریاست جمهوری بود، هیچ فرمانی برای اعزام سپاه نیامد.

شکست پشت شکست! ارتش به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد.

امام نهیب زد:

«بنی‌صدر فراموش کرده رئیس جمهور است.»

محمدعلی دستور بسیج اقتصادی را داد. فشار اقتصادی نباید مردم را فرسوده کند.

ائتلاف با منافقین

فاطمه حقیقت‌جو (نماینده افراطی مجلس ششم و عضو حزب مشارکت) نیز ضمن فرار از کشور در آبان ۱۳۸۸ در حالی که دامن سبز رنگ پوشیده بود در جمع ضد انقلابیون در شهر بوستون آمریکا به حمایت از به اصطلاح جنبش سبز پرداخت و اظهار داشت: «امّا همه ما با دیدگاههای مختلف، نظرهای مختلف دور هم جمع شدیم. یکی سلطنت‌طلب باشه، یکی ممکنه جزء سازمان مجاهدین باشه، همه ما یک هدف مشترک داریم . . .»[۴۳۸] وی هرچند در مصاحبه‌ای منکر این شد که منظورش از سازمان مجاهدین، مجاهدین خلق یا همان منافقین بوده است، امّا پاسخ نداد که اعضای سازمان مجاهدین انقلاب در شهر بوستون آمریکا چه می‌کنند؟

فاطمه حقیقت‌جو

حقیقت‌جو در مصاحبه با کریستین امانپور خبرنگار شبکه CNN آمریکا منظور از تغییر را این‌گونه عنوان کرد: «منظور من همان تغییری است که من به همراه دوستانم در هشت سال دولت اصلاحات آن را دنبال می‌کردیم یعنی تغییرات اساسی نظام».[۴۳۹] او در مصاحبه با یک سایت ضد انقلاب منظور خود از تغییر اساسی را بدین شکل عنوان کرد: «از نظر من تغییر بنیادی این است که قانون اساسی باید عوض شود . . . باید نهاد دین از سیاست جدا شود . . . در حال حاضر اکثریت معتقدند که قانون اساسی باید تغییر پیدا کند و انعکاس این مسأله را در سخنان رهبران جنبش سبز هم می‌بینیم».

مشارکتی‌ها همچنین برای رسیدن به مقاصد شوم خود، مهدی کروبی را نیز مورد حمایت خود قرار دادند. مهدی کروبی گرچه نمی‌توانست از طراحان اصلی فتنه محسوب شود، امّا نقش مهمی را در اجرای پیشبرد سناریوی براندازی نرم ایفا نمود. او که تا حدود ۲ ماه قبل از برگزاری انتخابات، عمده تلاش سیاسی خود را بر مرزبندی با احزاب تندروی جبهه اصلاحات مانند سازمان مجاهدین و حزب مشارکت قرار داده بود، امّا با نزدیک شدن به انتخابات و به ویژه پس از انتخابات و آغاز عملیات آشوب با رمز تقلب، وضعیتی کاملا متفاوت پیدا کرد و با وجود آن که خود یکی از کاندیداهای ریاست‌جمهوری دهم بود، در جبهه حامیان موسوی قرار گرفت. به دنبال همراه شدن کروبی با میرحسین موسوی در قضایای پس از انتخابات، حزب مشارکت نیز علی‌رغم حمایت بی‌دریغ از بیانیه‌ها و عملکرد میرحسین نیم‌نگاهی نیز به واکنشها و مواضع کروبی داشت. آنان پس از ادعای کروبی مبنی بر تجاوز جنسی به زندانیان کهریزک ـ که هیچ‌گاه اثبات نشد ـ به دفاع از کروبی برخاستند و به دامن زدن اتهام کروبی علیه نظام اقدام نمودند!

علی شکوری راد (عضو ارشد حزب مشارکت) در مصاحبه‌ای اظهار داشت: «هم اکنون اقلیتی از مجموعه نظام در یک سمت قرار گرفته‌اند و بخش عمده کارگزاران نظام هم که از ابتدای انقلاب در صحنه حضور داشته‌اند، در سوی دیگر قرار دارند و علی‌رغم این که اقلیت کم، رسانه‌های زیادی را در اختیار دارد، ولی پیام آنها شنیده نمی‌شود ولی سخن جناح دیگر با وجود داشتن حداقل امکانات رسانه‌ای به خوبی در جامعه به گوش می‌رسد و همین امر عصبانیت جناح مقابل را به دنبال داشته است».[۴۴۰] وی در پاسخ به سؤالی درباره دلیل واکنشها به نامه کروبی (ادعای تجاوز جنسی) گفت: «دلیل عصبانیت از نامه کروبی این است که بازتاب آن در جامعه بسیار بالاتر از دهها رسانه‌ای است که مطالب خلاف محتوای آن را می‌گویند».[۴۴۱]

جبهه مشارکت نیز با صدور بیانیه‌ای در دفاع از ادعاهای کذب مهدی کروبی نوشت: «در روزهای اخیر این هجمه‌ها با توجه به رشادت و صراحتی که آقای کروبی در دفاع از حقوق و کرامت ملت از خود نشان داده‌اند و درنتیجه آن، آب به لانه عنکبوتی اقتدارگرایان ریخته شده حجم حملات به این یاور دیرین امام و انقلاب شکل مضاعفی یافته و حد ناشناسان، تهدید به حد و تعزیر و اتهام‌زنی‌های مختلف به ایشان را درپیش گرفته‌اند. بهانه این حملات، افشاگری و بیان دلسوزانه آقای کروبی در دفاع از اسلام و ملت بوده و عده‌ای آن را موجب هتک نظام و انقلاب دانسته‌اند. عجیب است که همین چندی پیش کاندیدای مورد نظر آقایانی که امروز نگران آبروی نظام شده‌اند، تمام سالهای پیش از ریاست‌جمهوری خود را به صورت بی‌حد و مرزی به زیر سؤال برد و چهره‌های متعددی از نیروهای برجسته انقلاب را در غیابشان و از رسانه فراگیر سیما مورد اتهام قرار داد، امّا یک نفر از این دل‌آشوبان امروز در صدد محاسبه شلاقهای تعزیری این اتهامات برنیامدند و پشت تریبونهای مقدّس صدا بلند نکردند . . .».[۴۴۲]

این در حالی بود که عناصر نشاندار ضد انقلاب نیز به حمایت از کروبی و اتهامات وی علیه نظام جمهوری اسلامی برخاسته بودند. به طور مثال مسعود رجوی (سرکرده گروهک تروریستی منافقین) به خاطر مواضع سردرگم مهدی کروبی نامه‌ای خطاب به وی منتشر کرد و از وی خواست به خاطر مواضع سی سال گذشته در حمایت از انقلاب توبه کند! این قاتل هزاران جوان ایرانی و زنان و کودکان در ادامه تصریح کرد : «کروبی ۲۱ سال پس از آن حوادث، به همان جایی رسیده که منتظری رسید. امّا باز هم دیر نیست. جای جبران و توبه باز است».[۴۴۳] رجوی همچنین با ستایش از کروبی به خاطر این که تا همین‌جا هم قدم بزرگی برداشته، از وی خواست به اصل انقلاب و حضرت امام(ره) حمله کند.[۴۴۴]

اظهارات این چنینی و از این دست و حمایتهای آمریکا و غرب از مواضع کروبی، اشتباه استراتژیک حزب مشارکت، نادرستی مقایسه صورت گرفته در بیانیه این حزب را بیش از پیش نمایان ساخت و همنوایی حزب مشارکت و اعضای برجسته آن با ضد انقلاب، تروریستها و کمونیستها و . . . آنان را به افول و سقوط نزدیک‌تر ساخت.

*** فاطمه حقیقت‌جو (نماینده افراطی مجلس ششم و عضو حزب مشارکت) : « ما با دیدگاههای مختلف، نظرهای مختلف دور هم جمع شدیم. یکی سلطنت‌طلب باشه، یکی ممکنه جزء سازمان مجاهدین باشه، همه ما یک هدف مشترک داریم . . .»**

۴۳۸- اظهارات حقیقت‌جو در جمع ضد انقلابیون در شهر بوستون آمریکا.
۴۳۹- مصاحبه با شبکه سی‌ان‌ان آمریکا.
۴۴۰- روزنامه آفتاب یزد، به تاریخ ۱۳۸۸/۵/۲۶.
۴۴۱- همان.
۴۴۲- روزنامه آفتاب یزد، به تاریخ ۱۳۸۸/۵/۲۸.
۴۴۳- روزنامه کیهان، به تاریخ ۱۳۸۸/۵/۲۸.
۴۴۴- همان.

«آگهی ابلاغ وقت رسیدگی»

کلاسه پرونده: ۹۲۰۲۸۱/۳۰ وقت رسیدگی: ۹۲/۷/۲۰- ساعت ۱۱ صبح، خواهان: علی الیاسی گرمارودی
خوانده: جمیله حسینی قانمی، خواسته: الزام به تنظیم سند
خواهان دادخواستی تسلیم شورای حل اختلاف کرج نموده که جهت رسیدگی به حوزه ۳۰ ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده به علت مجهول‌المکان بودن خوانده به درخواست خواهان وتجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده ظرف یک ماه به دبیرخانه حوزه ۳۰ مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور بهم رساند.

حوزه ۳۰ شورای حل اختلاف شهرستان کرج
مجتمع مرکزی

آگهی تغییرات شرکت ذوب‌آهن نطنز سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۷۳۵۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- مؤسسه حسابرسی آمارگران پاسارگاد به عنوان بازرس اصلی، خانم نوشین شاپورزاده به شماره ملی ۰۰۶۸۷۴۹۹۸۸ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲- ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.
در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۶ ذیل دفتر ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تایید و امضا قرار گرفت.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران

آگهی تصمیمات شرکت فنی بازرگانی سرزمین سبز تهران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۲۹۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۷۵۴۸

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۱/۲۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۲/۲/۱۰ واصل گردید موسسه حسابرسی الگو حساب به ک م ۱۰۳۲۰۳۹۹۷۲۰ به سمت بازرس اصلی و احمد باقری ۳۹۱۰۷۲۹۴۳۷ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند. اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تصمیمات شرکت ساوین تاب سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۳۱۷۱۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۵۰۰۷۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۲/۱۲ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۲/۲/۱۴ واصل گردید مؤسسه حسابرسی پارس ارکان تراز به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۴۷۶۹۲ بسمت بازرس اصلی و علی قریشی طیبی به کد ملی ۲۱۴۰۱۶۸۰۳۸ بسمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

تاریخ ۹۲/۶/۱۰ رونوشت ۲۵۶/۴۷/۹۲-ح

آگهی حصر وراثت

آقای سهراب شهرت جلالی نام پدر محمد بشناسنامه ۱۵۵ صادره از دشت آزادگان درخواستی بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که پدرم مرحوم محمد شهرت جلالی بشناسنامه ۲۸۷۷ صادره دشت آزادگان در تاریخ ۹۲/۳/۶ در اهواز اقامتگاه دائمی خویش فوت ورثه‌اش عبارتند از: ۱-سهراب جلالی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۵۵ صادره از دشت آزادگان ۲-رستم جلالی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۶۳۶ صادره از اهواز ۳-وهاب جلالی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۷۹۸ صادره از اهواز ۴-حمید جلالی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۳۵۲ صادره از اهواز ۵-مجید جلالی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۲۶۶ صادره از اهواز ۶-مهدی جلالی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱-۴۳۱۹۵۷-۱۷۴ صادره از اهواز (پسران متوفی) ۷-فاطمه جلالی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۶۵ صادره از اهواز ۸-فرح جلالی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۴۸۷ صادره از اهواز ۹-نورالهدا جلالی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۰۸ صادره از اهواز (دختران متوفی) ۱۰-سنیه عبیات فرزند لفته بشماره شناسنامه ۲۳۵۸ صادره از دشت آزادگان (همسر متوفی) و لاغیر ورثه دیگری ندارد.
اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

قاضی شورای حل اختلاف
مجتمع شماره ۳ اهواز- داودی

آگهی تغییرات شرکت نگین درخشان روزبه با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۲۷۱۱۶۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۳۵۷۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی شرکا مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران- فلکه دوم صادقیه برج گلدیس طبقه نهم واحد ۹۱۲ کدپستی ۱۴۵۱۷۹۶۷۵۵ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.
در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۲۸ ذیل دفتر ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران

کیهان ورزشی
قدیمی‌ترین
مجله ورزشی ایران
شنبه هر هفته
بصورت
سراسری منتشر می‌شود

سهامدار محترم شرکت دانه‌بندی شن و ماسه گنج افروز (لحیم‌چی)

بدینوسیله از جنابعالی دعوت می‌شود که در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۵ روز جمعه ساعت ۱۰ صبح در جلسه عمومی شرکت حضور بهم رسانید.
دستور جلسه: استماع گزارش بازرس و امور مالی شرکت در رابطه با عملکرد هیئت مدیره جدید از مرداد ۱۳۹۱ و ارائه ترازنامه دوره مربوطه

مدیرعامل شرکت دانه‌بندی شن و ماسه
خانم معصومه لحیم‌چی

آگهی تصمیمات شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران هما سهامی خاص به شماره ثبت ۸۱۳۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۵۴۲۵۹

باستناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۲/۱۶ سید سعید سید اعلایی به ش.م ۱۴۶۰۹۲۴۳۹۸ به جای حمیدرضا سلیمانیان ۳۹۶۱۷۰۸۱۰۱ و شرکت سرمایه‌گذاری سهام عدالت استان چهارمحال بختیاری ۱۰۶۸۰۰۵۶۷۷۰ به عنوان اعضاء اصلی هیئت‌مدیره برای بقیه مدت تصدی انتخاب گردیدند.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تصمیمات شرکت بهداشت‌کودک سهامی خاص ثبت شده به شماره ۷۳۸۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۸۷۳۳۶

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۲/۲۳ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۲/۳/۶ واصل گردید ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی رسا محاسب امین به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۵۷۴۵۴ بسمت بازرس اصلی و آسیه خوشنودی به ش‌ملی ۱۵۵۲۱۰۸۹۷۱ بسمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاءهیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: هادی محمدخانی به ش‌ملی ۰۰۷۸۹۴۲۲۵۱ و بنت‌الهدی محمدخانی به ش‌ملی ۰۰۶۹۷۳۴۲۷۵ و محمدرضا صدیقی به ش‌ملی ۰۹۴۲۳۹۸۱۰۶ و احمد محمدخانی به ش‌ملی ۰۰۴۸۲۶۷۱۹۸ و معصومه حاجی محمدی به ش‌ملی ۰۰۳۶۸۴۵۴۵۰ هادی محمدخانی به سمت رئیس هیئت مدیره و بنت‌الهدی محمدخانی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و محمدرضا صدیقی به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و اوراق عادی و مراسلات با امضاء دو نفر از مدیران همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تاسیس شرکت مهندسی پرگاس بتن مهرگان سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۶ تحت شماره ۱۱۰۷۶ و شناسه ملی ۱۰۸۲۰۱۰۹۱۵۱ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۹ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار کیهان آگهی می‌شود.
۱- موضوع شرکت:
در برگیرنده امور پیمان‌کاری مربوط به ساخت ساختمان‌ها و ابنیه عمومی اعم از چوبی، آجری، سنگی، بتنی و فلزی، سازه‌های ساختمانی، محوطه‌های کوچک، دیوارکشی، اجرای پیاده‌روها و نظایر آن و همچنین در برگیرنده امور پیمان‌کاری مربوط به شبکه گازرسانی شهری، تاسیسات مکانیکی و هیدرو مکانیکی سدها، سیستم‌های سردکننده ساختمان، تاسیسات و تجهیزات ساختمان (آب، گاز، برق و فاضلاب) و انتقال زباله، تاسیسات و تجهیزات تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب کوچک، وسایل انتقال (آسانسور پله برقی و...) سیستم‌های خبر و هشداردهنده، تجهیزات آشپزخانه و سلف‌سرویس و رختشویخانه، سیستم‌های ارتباطی، شبکه‌های رایانه‌ای ساختمان، ماسه‌پاشی (سندبلاست)،حفاظت کاتودی، پوشش (لاینیگ) و ایستگاه‌های پمپاژ آب و فاضلاب کوچک و نظایر آن.
۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود
۳- مرکز اصلی شرکت:
استان همدان - شهر همدان خیابان اراک کدپستی ۶۵۴۷۹۶۱۵۶
۴- سرمایه شرکت: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به یکصد سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی که تعداد یکصد سهم با نام می‌باشد که مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۷۰۵۸۱۶ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۴ نزد بانک شهر شعبه مرکزی همدان پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.
۵- اولین مدیران شرکت:
۱-۵- خانم مرجان خانجانی به سمت رئیس هیئت‌مدیره.
۲-۵- خانم عفت گماریان به سمت نائب رئیس هیئت‌مدیره.
۳-۵- آقای نیما خانجانی به سمت عضو هیئت‌مدیره.
۴-۵- آقای نیما خانجانی به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۶- دارندگان حق امضا: حق امضا کلیه چکها ، سفته‌ها ، اوراق بهادار بانکی، اسناد تعهدآور و قراردادها بعهده مدیرعامل (آقای نیما خانجانی) بتنهایی و همراه با مهر شرکت می‌باشد.
۷- اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
۸- بازرس اصلی و علی‌البدل:
۱-۸- آقای ابوالفضل فرضایی به عنوان بازرس اصلی
۲-۸- آقای محسن بساط به عنوان بازرس علی‌البدل

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان همدان

اینجانب باقر باقرزاده آذر مالک خودرو به شماره شهربانی ۲۴د۴۳۷ ایران۱۵ و شماره شاسی ۲۲۵۲۸۱۰۴۴۶۹ و شماره موتور ۸۱۳۰۷۴۳۰ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران‌خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکان شهر ساختمان سمند طبقه۱ مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

مناقصه شماره ۹۲/۲۷

شرکت مخابرات استان یزد
سهامی خاص

نوبت دوم

شرکت مخابرات استان یزد در نظر دارد **۹۴ دستگاه کولر گازی دو تکه BTU ۲۴۰۰۰ فقط سرد مخصوص مناطق گرمسیری** به شرح و کیفیت مندرج در اسناد مربوطه را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. از کلیه فروشندگان واجد شرایط و تشخیص صلاحیت شده توسط مراجع ذیربط دعوت می‌شود پس از واریز مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به حساب جام شماره ۱۶۴۴۴۴۴۴۷۲ بانک ملت شعبه مرکزی یزد با شناسه ۳۴۰۰۰۸۰۲۶۸۱۲۹ به نام شرکت مخابرات استان یزد اقدام و حداکثر تا تاریخ ۹۲/۶/۲۷ در وقت اداری به واحد قراردادهای این شرکت واقع در میدان امام حسین(ع) ساختمان مرکز امام حسین مراجعه و با ارائه فیش بانکی اسناد مناقصه را دریافت و پس از تکمیل، آنها را مهر و امضا نموده و به ضمیمه پیشنهاد خود و سایر مدارک حداکثر تا تاریخ ۹۲/۷/۸ به دبیرخانه این شرکت واقع در ساختمان مذکور تحویل و رسید اخذ نمایند.
مدارک لازم:
۱-تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بصورت ضمانتنامه بانکی یا چک بانکی تضمینی یا واریز وجه نقد به حساب جام شماره ۱۶۴۴۴۴۴۴۷۲ بانک ملت شعبه مرکزی یزد با شناسه ۳۴۰۰۰۸۰۲۶۷۱۸۱ به نام شرکت مخابرات استان یزد ۲- اسناد مناقصه
قابل توجه شرکت کنندگان:
* به پیشنهادهای مبهم، فاقد امضاء، مشروط، فاقد سپرده، با سپرده مخدوش، با سپرده کمتر از میزان مقرر، با چک شخصی و نظایر اینها و همچنین پیشنهادهایی که بعد از زمان مقرر در آگهی واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
* هر گونه FOC در LOP ممنوع بوده و در نرخ پیشنهادی، باید ارزش قیمت تخفیف و موارد رایگان در کل اجزاء مناقصه سرشکن شود.
* در صورت درج آگهی در روزنامه استانی ملاک زمان توزیع اسناد و تحویل آنها به دبیرخانه این شرکت تاریخ چاپ در روزنامه کثیرالانتشار سراسری می‌باشد.
* این مناقصه دومرحله‌ای بوده و **گشایش پاکت‌ها درتاریخ ۹۲/۷/۹** در محل کمیسیون معاملات شرکت به نشانی- یزد- میدان امام حسین(ع) ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان یزد طبقه همکف می‌باشد.
تلفن پاسخگویی ۷۳۳۳۰۱۱ www.yazdtelecom.ir

شرکت مخابرات استان یزد

کارت هوشمند به شماره ۱۹۸۳۰۷۴ و کارت سلامت رانندگان متعلق به اینجانب بشیر قائدی باره فرزند جمشید به شماره شناسنامه ۲۴۹۶ مفقود شده اعتبار ندارد.

شرایط و فرم تقاضای اشتراک نشریات کیهان در خارج